

اول ماه مه:

نمایندگ «قدرت عقلم اتحاد کارگران»



پرچم اول ماه مه برافراشته می‌شود

در کنگره بین المللی، منعقد در پاریس در روز شنبه ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۹، بوش (یکی از نمایندگان «حزب سوسیالیست کارگری آمریکا») پیشنهاد می‌کند هر سال در یک روز معین در سراسر جهان تظاهرات عمومی برگزار شود و خواست آن «کاهش ساعت کار» باشد. نمایندگان کنگره، با تظاهرات بین المللی برای «کاهش ساعت کار» کمترین مخالفتی ندارند و اصل پیشنهاد را تصویب می‌کنند. سؤال اما این است، که چه روزی را برای تظاهرات بین المللی برگزینند؟ بوش اطلاع می‌دهد، که کنگره دسامبر ۱۸۸۸ «حزب سوسیالیست کارگری آمریکا»، روز اول ماه مه را به یاد کارگران شیکاگو برای تظاهرات برگزیده است و قرار است، که «فدراسیون سندیکاهای کارگری آمریکا» نیز تظاهرات خود را برای اولین بار در روز اول ماه مه ۱۸۹۰ برگزار کند. برای انتخاب اول ماه مه، رای می‌گیرند. اول ماه مه، روز بین المللی تظاهرات کارگران برای «کاهش ساعت کار» می‌شود.

قطع نامی اول ماه مه

قطع نامی مفصلی درباره مضمون اول ماه مه، توسط «حزب سوسیالیست کارگری آمریکا» به کنگره پیشنهاد می‌شود. در این قطع نامه آمده است: «با توجه به این که گزارش نمایندگان همه کشورهای شرکت کننده در این کنگره نشان داد، که سازمان اقتصادی کار، یعنی اتحادیه های کارگری و گروه های مشابه، برای رهایی طبقه زحمت کش کفایت نمی‌کنند، در حالی که تبلیغ و تهییج برای تقلیل روز کار، برای محدودیت کار زنان و کودکان، و برای تصویب قوانین حامی کار، نشان داده اند که وسیله ای برای گسترش آگاهی طبقاتی در میان کارگران است و یک مقدمه ضروری برای رهایی

طبقه کارگر به دست خود او می‌باشد؛ با توجه به این که جنبش کارگری نشان داد، که استدعا از بورژوازی فاقد هر گونه تاثیری به نفع کارگران است و سودی ندارد، مگر ایجاد سرمایه ای سیاسی برای طبقه حاکم؛ با توجه به این که قدرت سیاسی ای که در دست طبقه حاکم است، به او اجازه می‌دهد که نظام استثمار خود را در مؤسسات خصوصی و تولید سرمایه داری هم چنان حفظ کند؛ با توجه به این که بورژوازی از طریق قدرت سیاسی، مانع کنترل صنایع به وسیله دولت و کنترل دولت به وسیله مردم می‌شود؛ کنگره بین المللی، منعقد در پاریس، تصمیم می‌گیرد که: ۱- کارگران باید در تمام کشورهایی که از حقوق انتخاباتی برخوردارند، به صفوف حزب سوسیالیست داخل شوند و به هیچ سازشی با احزاب سیاسی دیگر تن ندهند. و از طریق استفاده از حق رای خود، و با پیروی از قانون اساسی کشور خود، برای تسخیر قدرت تلاش کنند؛

۲- در تمام کشورهایی که حقوق انتخاباتی و حقوق اساسی از کارگران سلب شده است، کارگران باید با استفاده از تمام وسایل برای کسب این حقوق به مبارزه برخیزند؛

۳- به کار گرفتن نیروی سرکوب کننده از سوی طبقه حاکم به منظور ممانعت از تحول مسالمت آمیز جامعه به سوی یک سازمان تعاونی، که هم صنعتی و هم اجتماعی باشد، جنایتی علیه بشریت تلقی می‌شود. آنان که برای دفاع از آزادی و حیات خود مبارزه می‌کنند، متجاوزان را به سزای اعمال خود خواهند رساند.»

این قطع نامه به اتفاق آرا، به جز یک رای مخالف، به تصویب می‌رسد. نماینده روسیه، پلخانف، مخالف قطع نامه است. او بر این باور است که در شرایط

روسیه، برگزاری تظاهرات اول ماه مه غیر ممکن است. بدین ترتیب، سنت اول ماه مه در کنگره بین المللی در پاریس بسته می‌شود.

نخستین تظاهرات بین المللی اول ماه مه

نخستین تظاهرات بین المللی اول ماه مه، با شوق و شکوهی به یاد ماندنی در بسیاری از کشورهای جهان برگزار می‌شود. در آلمان، در آستانه برگزاری تظاهرات اول ماه مه، روزنامه «مذاکرات» از بن گزارش می‌دهد که کارفرمایان با جدیت فراوان از در مخالفت با این تظاهرات درآمد و اعلام کرده‌اند: «کارگرانی که در روز اول ماه مه غیبت کنند را دیگر نخواهند پذیرفت.» دولت سرمایه نیز به سهم خود دست به کار شده است. پادگان برلن برای مقابله با کارگران مهمات کافی دریافت داشته است. و از همه مدیران کارخانه ها درخواست شده، که کوچک ترین حرکتی را فوراً به کلابتری محل و شهربانی اطلاع دهند.

با صدور اعلان «منوعیت غیبت از کارخانه»، اولین گروه کارگران اعتصاب خود را آغاز می‌کنند. به گزارش روزنامه «مذاکرات»، کارگران هامبورگ، روستوک، برلن، فرانکفورت، کلن، لایپزیک، و مونیخ، علی رغم توپ و تشرها و تشبثات کارفرمایان دست به اعتصاب زدند. کارفرمایان به قول خود دایر بر اخراج کارگران «وفا» می‌کنند. و کارگران نیز در بسیاری از این شهرها، به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. بندر هامبورگ در پانزده روز اول ماه مه ۱۸۹۰، کاملاً فلج می‌شود.

در اتریش، جنبش اعتصابی عمومیت می‌یابد. در پاره‌ای از نقاط به نظر می‌رسد اعتصاب کارگران تا روزها پس از اول ماه مه هم ادامه پیدا می‌کند. در وین، روز اول ماه مه، تظاهرات گسترده و با شکوهی

برگزار می‌شود، که تعداد شرکت کنندگان آن به مرز ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد. در شهر بوداپست، تظاهرات ممنوع اعلام می‌شود و با این همه، سی هزار تن از کارگران گرد هم می‌آیند.

در انگلستان، «کمیته جشن اول ماه مه» تصمیم می‌گیرد جشن اول ماه مه را نه در روز پنجشنبه، که سه روز دیرتر، یعنی در روز یکشنبه چهارم مه برگزار کند. تعدادی از کارگران احساس می‌کنند، که کمیته به قطع نامه‌ی «کنگره بین المللی» در پاریس خیانت کرده است. «شورای فدراسیون سازمان‌های کارگری»، کارگران را به تظاهرات در روز اول ماه مه فرا می‌خواند. در این روز، دو هزار کارگر تظاهرات می‌کنند. در روز یکشنبه، چهارم مه، نیز جشن اول ماه مه در هایدپارک لندن برگزار می‌شود. در این بزرگ‌ترین نمایش آن سال سراسر دنیا، در حدود نیم میلیون نفر حضور بهم می‌رسانند.

در بلژیک، به هنگام طلوع آفتاب روز اول ماه مه، صد هزار نفر از کارگران معدنچی اعتصاب خود را آغاز می‌کنند. تظاهرات و اعتصاب کارگران، سراسر بلژیک را در خود فرو می‌برد.

در فرانسه، به ویژه در پاریس، تظاهرات ممنوع اعلام شده است. در پاریس قرار بر این بود، که صفوف تظاهرکنندگان تا محل پارلمان رژه بروند و در آنجا عریضه‌ی حاوی درخواست «کاهش مدت کار به هشت ساعت در روز» را تقدیم مجلسیان کنند. برای مقابله با کارگران، علاوه بر ۳۴ هزار سرباز مستقر در پاریس، از شهرستان‌ها نیز کمک خواسته شده است. صبح روز اول ماه مه به نظر نمی‌رسید اتفاقی بیافتد. فقط چند پرچم سرخ با شعار «اول ماه مه، هشت ساعت کار» پائین کشیده می‌شود. پس از مدتی اما، جمعیت به خشم می‌آید. «هیات نمایندگی کارگران» مرکب از برخی از اعضای پارلمان، رهبران جنبش سندیکایی، و احزاب چپ، در نزدیکی میدان کنکورده دستگیر می‌شوند. نمایندگان پارلمان با ارائه کارت نمایندگی خود راه را ادامه می‌دهند. ولی از پیش روی جمعیت، با سد نظامیان جلوگیری می‌شود. هیات نمایندگی، عریضه را به رئیس مجلس می‌دهد و به صحبت درباری مفاد آن می‌پردازد. هم‌زمان پلیس به جمعیت حمله می‌برد و نمایش آرام اول ماه مه پاریس را به زد و خوردی خشن مبدل می‌سازد.

در ایتالیا، کارگران رم شهر را یک پارچه تعطیل می‌کنند و توطئه‌ی حکومت نظامی را به سخره می‌گیرند. در شهر لیورنو، بین مردم و ژاندارمری، زد و خوردی رخ می‌دهد. در فلورانس، علی‌رغم حضور نیروی پلیس، تظاهرات با آرامش صورت می‌گیرد. و در شهر صنعتی تورینو، اشغال نظامی ساختمان‌های دولتی و دستگیری فعالین سیاسی و سندیکایی، سرانجام به درگیری خیابانی می‌کشد و عده‌ای زخمی و تعدادی دستگیر می‌شوند.

در سوئد، در شهر استکهلم، بیش از صد هزار نفر گرد می‌آیند و به سخنان پالم و برانتینگ، از رهبران سوسیال دموکراسی، گوش می‌دهند.

در آن سوی اقیانوس، در آمریکا، «حزب سوسیالیست کارگری» متینگی را با حضور ۲۰ هزار تن در یکی از میدان‌های نیویورک سازمان می‌دهد. در شیکاگو نیز ۳۵ هزار نفر در جشن اول ماه مه شرکت می‌کنند و به سخن رانی نجاران اعتصابی گوش می‌دهند. در شهر لویی ویل، تظاهراتی با ۲۰ هزار نفر برگزار می‌شود، که سخنران آن ساموئل گومپه رز، رهبر «فدراسیون کار» آمریکا، است.

و در کوبا، علی‌رغم انحلال «اتحادیه کارگران سیگارسازی»، کارگران این اتحادیه به هم راه کارگران نجاری‌ها اعلام اعتصاب می‌کنند. این جا، هر نوع تظاهراتی در روز اول ماه مه ممنوع است. والی اسپانیولی جزیره، فقط اجازه داده است بین ساعت پنج تا هشت بعدازظهر جلسه‌ای در یکی از تالارهای شهر برگزار شود. با رسیدن خبر دستگیری لویی میشل (زن انقلابی فرانسوی، که شب قبل در پاریس دستگیر شده است) کارگران به خیابان‌ها می‌ریزند و به سوی تالار برگزاری جلسه روان می‌شوند. سخن رانان جلسه اعلام می‌کنند، که اجتماع پر شور کارگران به خاطر اعتراض به انحلال «اتحادیه کارگران سیگارسازی» نیست، بلکه برای ابراز هم‌بستگی با کارگرانی است که در سراسر اروپا و آمریکا روز اول ماه مه را جشن می‌گیرند و کارگرانی که دولت‌های استبدادی از برگزاری جشن آن‌ها ممانعت به عمل می‌آورند.

...
نخستین تظاهرات بین المللی اول ماه مه، «قدرت عظیم اتحاد کارگران» را در مقابل چشمان هراس ناک سرمایه به نمایش گذاشت. و بیش از آن، به کارگران سراسر جهان، به زن و مرد، به سرخ و زرد و سیاه و سفید، نشان داد که مستقل از جنسیت، ملیت، و مذهب، متعلق به یک طبقه جهانی‌اند و پای در یک سرنوشت دارند. طبقه‌ی جهانی و هم‌سرنوشت، که قدرت عظیم آن در هم بستگی و اتحاد آن نهفته است. پس از گذشت ۱۱۵ سال از اولین نمایش بین المللی اول ماه مه، نبرد طبقاتی کارگران علیه سرمایه هم چنان ادامه دارد. دنیای سرمایه داری در طول این سال‌های دراز بی شک دست خوش تحولات بسیاری شده است. اما، ماهیت آن کم‌ترین تغییری نکرده است. این نظام نکبتی، علی‌رغم توسعه‌ی فزاینده‌ی تکنولوژی و اختراعات نوین و علی‌رغم وجود اقیانوسی از ثروت و نعمت، هم چنان برای بقای خود نیازمند فقر و فلاکت باز هم بیشتر کارگران و تشدید استثمار و تحمیل شدت کار و بیکاری و بی حقوق افزون تر بر آنان است. و از همین رو، بر خلاف تبلیغات مدافعین سینه چاک سرمایه داری، که «پیروزی ابدی سرمایه» و «پایان تاریخ» را جار می‌زنند،

نبرد طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری بیش از پیش گسترش می‌یابد و به رویارویی آشکارتر و خصمانه تر کارگران سراسر جهان با سرمایه کشیده می‌شود.

در این نبرد بی وقفه، اول ماه مه نمایش «قدرت عظیم اتحاد کارگران» است. اتحادی که طنین شعف انگیز و رسای فویر انگل * آن را اعلام کرده بود. اول ماه مه، پرچم مبارزه‌ی جهانی است. مبارزه‌ی متحد و هم بسته، که کارگران را به برپایی دنیایی انسانی فراخوان می‌دهد. دنیایی که با درهم کوبیدن نظام سرمایه داری پا می‌گیرد و بر ویرانه‌های آن، نظام نوینی را بر پایه آزادی و برابری بنا می‌نهد. نظامی که بر سر در آن نوشته شده است: «رشد آزادانه هر فرد، شرط رشد آزادانه‌ی همگان است.»

* * *

* فویر انگل از کارگران شیکاگو بود، که در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ دست به دست هم دادند و متحد و هم بسته به خیابان آمدند، تا به سرمایه اعلام کنند خواهان «روز کار هشت ساعته» و «حق تشکل کارگری» هستند. پلیس، تظاهرات گسترده‌ی کارگران شیکاگو را به خاک و خون کشید و تعدادی از کارگران را دستگیر و زندانی کرد. پس از سرکوب وحشیانه‌ی پلیس، نوبت خوش خدمتی به دادگاه سرمایه رسید، که «عدالت» سرمایه را به نمایش بگذارد. تنی چند از سازمان‌گران تظاهرات کارگران، از جمله فویر انگل، به محاکمه کشیده شدند. سرمایه، از پیش فرمان به مرگ آن‌ها داده بود. و دادگاه سرمایه وظیفه داشت، که فرمان مرگ آن‌ها را جار بزند. جان این کارگران می‌بایست گرفته می‌شد، تا جان سرمایه در امان بماند. طنین شعف انگیز و رسای فویر انگل پس از گذشت این سال‌های طولانی هم چنان به گوش می‌رسد، که پس از اعلام رای دادگاه سرمایه به پا خواست، تمام «قدرت عظیم اتحاد کارگران» را در صدای جان خود ریخت و گفت:

«کارگران اینک دریافته‌اند، که می‌توانند با اتحاد و هم بستگی و مبارزه‌ی جمعی بر مشکلات خود فائق آیند. کارگران دریافته‌اند، که چه قدرت عظیمی در اتحاد آنان نهفته است. به همین دلیل است، که کارفرمایان با تمام توان خود می‌کوشند اتحاد کارگران را درهم بشکنند و متینگ آن‌ها را در خون غرق کنند. ما کارگران، گرد هم آمدیم تا شاید اندکی از حقوق خود را بازستانیم. اما اکنون از زندان و دادگاه سر در آورده‌ایم. آیا این است معنای برابری و عدالت در جامعه‌ی ما؟ امروز اگر صدای حق طلبانه‌ی ما را می‌توانید به زور گلوله خفه کنید، اما مطمئن باشید که این صداها دیگر خفه شدنی نیست و هر روز طنین آن رساتر خواهد گشت.»